

بایسته‌های اخلاق پدری از منظر روایات

مهدی آخوندی شیخ احمدلو*

چکیده

زمینه: مسئله اخلاق پدری و چگونگی رفتار و اخلاق پدر با فرزندان، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چراکه در هر خانواده، در درجه اول، پدر مسئول برقراری آرامش روحی و روانی زن و فرزندان می‌باشد. پدری که سرشار از فضائل نیکو باشد، فرزندان او نیز به احتمال فراوان، همه یا بخشی از این فضائل را خواهند داشت. روایات فراوانی درباره مسئله اخلاق پدری به این موضوع اختصاص یافته است. طبق بیانات امام صادق(ع)، مرد مؤمنی که نزد خدا رستگار باشد، خداوند نیز فرزندان و فرزندزادگان وی را رستگار خواهد کرد که این مسئله خود، نشان از جایگاه والای پدری دارد. بنابراین، هر خانواده به یک سرپرست و مدیر نیاز دارد و این وظیفه خطیر، برعهده پدر خانواده می‌باشد. با توجه به جایگاه بنیادین پدر در خانواده، موفقیت در آن مستلزم آگاهی، فداکاری، باور، رفتار و اخلاق است. با درک اهمیت مسأله اخلاق در زندگی انسان، جایگاه رفیع پدر در خانواده بیش از پیش روشن می‌گردد. هدف: با توجه به اهمیت اخلاق در زندگی انسان، جایگاه رفیع پدر در خانواده و نقش محوری و بنیادین احادیث و روایات در هدایت انسان‌ها به کمال حقیقی، هدف این نوشتار توصیفی - تحلیلی، بیان بایسته‌های اخلاق پدری از منظر روایات می‌باشد. یافته‌ها: برخی از بایدهای اخلاق پدری، شامل نامگذاری مناسب، تربیت دینی فرزندان (آموزش مهارت‌های مادی و معنوی زندگی)، تامین نیازهای ضروری (خوراک، مسکن، پوشاک و امنیت) و تشویق و محبت به فرزند بوده و نبایدهای پدری نیز شامل تبعیض بین فرزندان، ظلم، افراط و تفریط در محبت به فرزندان، عدم ارتکاب رذائل اخلاقی و کم‌توجهی به واجبات دینی می‌باشند.

واژگان کلیدی: اخلاق، پدر، اخلاق پدری، بایدهای اخلاق پدری، نبایدهای اخلاق پدری.

مقدمه

اخلاق، با فضایل و رذایل اعمال انسانی در ارتباط است. در حقیقت، اخلاق در انسان، جزو صفات درونی است که به صورت عادت در آمده و به خلق‌های خوب و بد و اخلاق اجتماعی و فردی، تقسیم می‌شود. در مسلک اسلامی نیز در باب اهمیت اخلاق، روایات فراوانی درباره فضائل و رذائل اخلاقی ذکر شده است. در هر خانواده، نقش پدری از اهمیت فراوانی برخوردار است و پدری که اخلاق نیکو و متعادل داشته باشد، می‌تواند به اهداف و مقاصد خود در بین اعضای خانواده دست یابد. لذا، یکی از مسئولیت‌های خطیر پدر، که در روایات نیز درباره آن سخن گفته شده است، اخلاق پدری می‌باشد. توجه داشته باشید که شأن والدین پس از شأن خداوند ذکر شده است و همین مسئله، مقام والای والدین را نشان می‌دهد. بنابراین، پذیرفتن مسئولیت پدری، امر مهمی می‌باشد و لازمه پذیرش این مسئولیت و موفقیت در آن، آگاهی، فداکاری و اعتقاد است. پدر، به عنوان سرپرست خانواده، با عمل خود، در شکل‌گیری شخصیت فرزندان و تربیت مثبت و منفی آنها، تأثیر فراوانی می‌گذارد. می‌دانیم که اخلاق و تربیت، انسان را در تمام ساحت‌های وجودی، زیبا و ستودنی می‌خواهد. زیبایی سیرت برخلاف زیبایی صورت، اکتسابی می‌باشد و باید برای رسیدن به آن، تلاش شود. در حقیقت، خودسازی، همین «در صدف خویش گهر ساختن» است. بدون شک، راه دستیابی به این هدف، آگاهی درباره مبانی و اصول اخلاق می‌باشد (نوری-قلاح، ۱۳۸۷: ۲). بحث اخلاق پدر در خانواده، یکی از مسائل بسیار مهم در اسلام و تربیت اسلامی فرزندان می‌باشد؛ چگونگی رفتار و اخلاق پدر، از جمله مسائلی است که در اسلام اهمیت بسیاری دارد و به همین علت، در این زمینه، روایات متعددی وجود دارد و جوانب متفاوتی از آن مشخص شده است؛ ما، در این پژوهش، با نگاهی متفاوت به این روایات، به بررسی و تحلیل بایسته‌های اخلاق پدری پرداخته‌ایم که در ادامه، با آنها بیشتر آشنا می‌شویم.

پیشینه پژوهش

در منابع و علوم دینی، به بعضی از مسائل اخلاقی و یا وظایف پدران، اشاره مختصری شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

کتاب «آموزه‌های اخلاقی، رفتاری امامان شیعه»، نوشته محمدتقی عبدوس، محمد محمدی‌اشتهاردی، ۱۳۹۲. نویسنده در این کتاب، الگوهای رفتاری صحیح با موضوع اخلاق و علوم تربیتی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی را با استناد به روایات اهل‌بیت(ع) و دیگر منابع معتبر دینی عنوان کرده است.

کتاب «کودک‌نامه (فرهنگ الفبایی تربیت فرزند در سیره اهل بیت علیهم‌السلام)»، نوشته روح‌الله ولی‌ابرقویی، ۱۳۹۳. مولف در این کتاب، به صورت مختصر و بدون تحلیل، به بیان برخی روایات درباره بعضی از وظایف تربیتی پدران در برابر فرزندان پرداخته است.

مقاله «نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام»، نوشته مجید وزیری، ۱۳۸۱. محقق در این پژوهش، در بخشی از اثر خود به موضوع اخلاق پدری از جنبه تربیتی پرداخته شده است.

مقاله «رابطه پدر و کودک»، نوشته مجتبی مصدقی‌نیک، ۱۳۷۱، نویسنده در این پژوهش، مطالبی را بیان نموده که به بعضی وظایف پدران در مقابل فرزند کودک خود اشاره دارند. وجه تمایز پژوهش حاضر، نسبت به پیشینه ذکر شده این است که ما طی این پژوهش، به بررسی و تحلیل مبحث اخلاق پدری از منظر روایات پرداخته‌ایم و بایسته‌های اخلاق پدری را از منظر روایات ذکر نموده‌ایم.

الف مفهوم شناسی

در این بخش به بیان مفهوم واژه‌های اخلاق، پدر و اخلاق پدری می‌پردازیم:

۱- اخلاق

اخلاق، به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن است؛ که به معنای صورت درونی، باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، که با چشم، قابل رویت است (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۷۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ه.ق.؛ ۲۵۷).

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه دستیابی به صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (طوسی، ۱۳۷۴: ۴۸).

۲- پدر

پدر در لغت، دارای معانی مختلفی می‌باشد از جمله: مردی که فرزند داشته باشد، سرپرست و بزرگ‌تر خانواده است؛ یا مردی که از او دیگری بوجود آمده است. پدر، به معنای پاییدن؛ یعنی پاینده؛ کسی که می‌پاید و کسی که مراقب خانواده‌اش است و آنان را می‌پاید نیز آمده و پدر در اصل، پایدر یا پادر بوده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۶۳۲).



پدر به معنای مردی که دارای فرزند باشد همچنین، به‌عنوان یک واژه احترام آمیز و مهرآمیز، برای مردان سالخورده نیز استفاده می‌شود (معین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۳۲).

۳- اخلاق پدری

در خانواده، پدر، وظایف متعددی برعهده دارد و بخشی از این وظایف، به فرزندان اختصاص دارد که پدر در برابرشان مسئول است و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، بر آنها تأثیر می‌گذارد که به مجموع این وظایف، «اخلاق پدری» اطلاق می‌گردد.

می‌دانیم که منظور از اخلاق پدری، شیوه برخورد پدر خانواده با مسائل مختلف می‌باشد. در حقیقت، یک پدر می‌تواند از خصوصیات اخلاقی مختلفی، برخوردار باشد و این خصوصیات اخلاقی، می‌تواند مثبت و مفید باشد و موجبات رشد و تعالی سالم فرزندان را در پی داشته باشد و می‌تواند منفی و خودخواهانه باشد و سلامت جسمی و روانی فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد.

اگر پدر یک خانواده، با اصول اخلاق کاربردی آشنا باشد و به‌صورت مقتدرانه از آنها در زندگی خود بهره بگیرد، آنگاه رعایت هر یک آن‌ها، سبب می‌شود که به خوبی از عهده وظایف پدری خود بر بیاید و در نتیجه، فرزندان نیز به‌صورت مقتدرانه و متکی به رفتارها و اخلاق پدر، پرورش می‌یابند و بزرگ می‌شوند؛ درنهایت، این امر، منجر به نتایج انسانی و احساس خوشبختی بیشتری در اینگونه خانواده‌ها می‌گردد. در حقیقت، پدر در مقام رئیس خانواده، با رعایت اصول اخلاقی خصوصاً اخلاق کاربردی، از مدیریت بالایی برخوردار بوده و نتیجه‌ای که از آن حاصل می‌شود، منجر به پویایی و کارایی مثبت و مقتدرانه در نظام خانواده خواهد شد و درنهایت، فرزندان مقتدر تحویل جامعه خواهد گردید (دهقانزاد، ۱۳۹۲: ش ۱۵۰).

ب) بایسته‌های اخلاق پدری

۱- بایدهای اخلاق پدری

زحماتی که هر پدری متقبل می‌شود، از یک سو، وظیفه دینی و از سوی دیگر، وظیفه اخلاقی تلقی می‌شود. از نظر دینی، کودکان بر گردن پدر، حقوقی دارند و از نظر اخلاقی نیز کودکان به خواسته والدین اکنون هستند، لذا باید به بهترین نحو پذیرایی شوند. یک پدر نمونه، پدری است که افزون بر آموزش اخلاق و رفتار خوب به فرزندان، بتواند روزی خانواده‌اش را نیز از راه حلال به دست آورد. چراکه این روزی حلال، در سرنوشت فرزندان، تأثیر فراوانی دارد. فرزندان همواره باید قدردان اینگونه پدران باشند. اسلام نیز، برای پدرانی که وظیفه خود را به درستی انجام



می‌دهند، ارزش و احترام خاصی قائل است. این ارزش و احترام، به حدی است که در منابع اسلامی پس از انجام وظیفه، عبادت و احترام به خدا و اطاعت از فرمانش از لزوم احترام به والدین یاد شده است؛ لذا، بر فرزندان لازم است که حکم پدر را رعایت کنند و بدون اجازه او، جز در واجبات کاری انجام ندهند (نوحمنی، ۱۳۹۲: ۲۴۶۵۴۸).

مطالب مربوط به بایدهای اخلاقی بسیار گسترده هستند، و برای جلوگیری از تفصیل بحث، از زیاده‌گویی اجتناب کرده و سعی شده که با استناد به روایات، به برخی از مهمترین بایدهای اخلاقی اشاره شود.

۱-۱- نامگذاری مناسب

انتخاب نام خوب برای نوزاد بسیار مهم است. رسول خدا آن را از حقوق فرزند بر گردن پدر می‌داند و در این زمینه می‌فرماید: «بهترین نام‌ها، نامی است که در آن نشان عبودیت خدا باشد؛ مانند عبدالله» (مجلسی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۰۱: ۱۳۱).

پیامبر(ص)، مؤمنین را به نامگذاری شایسته فرزندان سفارش نموده و می‌فرماید: «نخستین چیزی که هر یک از شما به فرزندش پیشکش می‌کند، نام نیکو است؛ لذا، هر کدام از شما نامی نیکو بر فرزند خویش نهد» (مجلسی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۰۱: ۱۳۰).

بعضی از نام‌ها، ویژه خدا است و نامگذاری افراد به این نام‌ها، نهی شده است؛ مثلاً «الله»، اسم خاص خدا است و در معارف دینی، از نامگذاری افراد به این نام، ممانعت شده است. سنت پیامبر(ص) در مقابله با اسم‌های نامناسب این بود که آن‌ها را تغییر می‌داد و نام نیک را جایگزین نام‌های زشت می‌کرد.

انتخاب نام‌های شخصیت‌های دینی یا مناسبت‌های مذهبی بر افراد نشانه علاقه به آن حقایق است؛ مثل نام‌های ائمه معصومین(ع) یا نام ماه‌هایی چون «محرم»، «صفر»، «رمضان» بر افراد که ارزش حوادث آن مناسبت‌ها و شخصیت‌های آن زمان‌ها را برای شنونده یادآوری می‌کند و مخاطب درمی‌یابد که این نام متعلق به یک مسلمان است.

وقتی نامی برای کسی انتخاب می‌شود، نوعی رابطه عاطفی بین صاحب نام و شخصیت یا مکان مورد نظر که بدان نام می‌باشد، برقرار می‌گردد؛ نام «حسین»؛ پیوند حماسی با سیدالشهداء برقرار می‌کند و نام «محرم»، محبت به شخصیت‌های این ماه و بغض به مفسدان این حادثه را گوشزد می‌نماید.

انتخاب نام‌های بزرگان و شخصیت‌ها بر افراد، موجب می‌شود که صاحب نام، احساس نوعی بزرگی و وقار در خود نماید و هم‌رنگی خود با شخصیت مورد نظر را مضاعف نماید. این احساس



روزبه‌روز بیشتر و موجب اثرگذاری بر رفتار و گفتار او می‌گردد؛ تا جایی که خود را مسئول حراست از قداست آن نام می‌شمارد. رسالت پدر، در تربیت صحیح فرزندان، به روزی حلال، تعلیم و تربیت و غیره خلاصه نمی‌شود؛ بلکه، انتخاب نام مناسب، اولین قدم اظهار محبت والدین (به خصوص پدر) به فرزندشان تلقی شده که باید محقق شود.

۱-۲- تربیت

یکی دیگر از بایدهای پدری که در روایات و احادیث مختلف بدان پرداخته شده است، مسئله تربیت کلامی و نمادین به فرزندان است که هر یک در تربیت (جسم و روح) کودک و شخصیت‌دهی به او نقش اساسی دارد؛ در این بخش به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «آنچه را فرد در کودکی می‌آموزد، مانند نقشی است که روی سنگ حک می‌شود» (مجلسی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱: ۲۲۴). همچنین، می‌فرماید: «قلب کودک، مانند زمین خالی است که هر بذری را در آن بریزند، رشد خواهد کرد» (نهج البلاغه، ۵۲۲)؛ بنابراین، وظیفه هر پدری ست که فرزندش را به شیوه‌ای اصولی و دینی و اخلاقی تربیت کند. اذان و اقامه‌ای که در بدو تولد، در گوش نوزاد طنین انداز می‌شود، در واقع، عصاره‌ای از آموزه‌های دینی الهی است که در ضمیر ناخودآگاه او تأثیر خواهد داشت؛ لذا، بر انجام این کار بسیار تأکید شده است (قطبی، ۱۳۹۲: ۴۷ و ۴۸). همانطور که گفتیم، یکی از وظایف مهم پدر، اهتمام به تربیت فرزندان است. مضمون بسیاری از روایات و احادیث چنین است: بگذارید کودک تا شش یا هفت سالگی بازی کند؛ سپس، به تعلیم و تربیت او همت گمارده، خواندن، نوشتن، قرآن، نماز، حلال و حرام و معارف دینی را به او بیاموزید و چون به سن نه سالگی رسید اهتمام و تأکید بیشتری بویژه در امر نماز، داشته باشید. همچنین فرزندان را با احادیث و سخنان ما آشنا سازید قبل از آنکه مرجئه - فرقه‌ای منحرف از خط امامت - از شما پیشی گرفته، آنان را گمراه کنند (حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۴: صص ۴ و ۱۸؛ ج ۲۱: صص ۴۷۳ و ۴۷۸). نماز خواندن خود والدین و آموزش کودک در سنین هفت سال به بعد به نماز و همراه بردن به مجالس دعا و ذکر اهل بیت علیهم‌السلام و آموزش امور معنوی واجب و مستحب در تربیت دینی کودک تأثیر بسزایی خواهد داشت.

والدین کودک و به خصوص پدر، به‌عنوان سرپرست خانواده، وظیفه مهمی در زمینه مسائل دینی فرزندان و دیگر اعضای خانواده بر عهده دارند. از این رو، انجام این مهم با استفاده از شیوه‌های جدید تربیتی در قالب امر به معروف و نهی از منکر، در میان افراد خانواده، بر همه

پدران و مادران لازم است. توجه دقیق و جدی به تربیت دینی فرزندان در محیط خانه و سرمایه گذاری لازم در این زمینه، آثار مهم تربیتی از لحاظ فردی و اجتماعی بر کودک به جای خواهد گذاشت.

۱-۲-۱- آموزش مهارت‌های زندگی (مادی و معنوی)

یکی دیگر از بایدهای پدر که در روایات بدان پرداخته شده است، آموختن مسائل دینی و مهارت‌های زندگی، به فرزندان است که در ذیل به برخی از موارد آن اشاره می‌کنیم:

الف) آموزش امور معنوی

یکی از وظایف و بایدهای اخلاقی مهم پدر نسبت به فرزند، آموزش او بر اساس تعالیم و اخلاق اسلامی است که در روایات متعددی به آن اشاره شده است. یاد دادن احکام حلال و حرام به فرزند در هفت سالگی و نیز شنا، تیراندازی و شعر جناب ابوطالب (س) (معروف به قصیده لامیه) مستحب است (حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق.، ج ۴: ۱۸).

انس با قرآن از دوران طفولیت، موجب تربیت فرزند براساس آموزه‌های اسلامی می‌گردد و سعادت دنیوی و اخروی خانواده را به همراه خواهد داشت؛ پس، جهت‌گیری پدر باید به سمت آموزش امور معنوی (قرآن و نماز و غیره) باشد.

در روایتی، پیامبر اسلام درخصوص آموزش قرآن فرمودند: «کسی که به فرزند خود قرآن بیاموزد، مثل آن است که ده هزار بار به خانه خدا مشرف شود و ده هزار حج و عمره به جای آورد و ده هزار بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کند و ده هزار بار جهاد کند و ده هزار فقیر مسلمان گرسنه را اطعام کند و ده هزار مسلمان برهنه را پوشانده باشد و برای او، در مقابل هر حرفی، ده ثواب و حسنه نوشته می‌شود و خداوند، ده گناه از گناهانش را محو می‌کند و در قبر با او خواهد بود تا آنگاه که مبعوث شود و ترازوی عمل او سنگین باشد و از صراط مثل برق جهنده، عبور کند و قرآن از او جدا نمی‌شود تا بر او بهترین کرامتی که آرزو دارد، نازل کند» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق.، ج ۶: ۴۸).

این تمثیل از پاداش آموزش قرآن به کودکان، بیانگر اهمیت این عمل مهم است؛ زیرا ذهن و دل کودک، همانند لوحی سفید و زمینی مستعد است که هر چه در آن حک شود، به خوبی رشد کرده و شاخ و برگ پیدا می‌کند.

رسول خدا فرمود: «حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد» (مجلسی، ۱۴۱۴ ه.ق.،

ج ۱۷: ۸).



بر همین اساس، شایسته است که هر کدام از پدران و مادران با جدیت در امر قرآن‌آموزی به فرزندان خود اهتمام داشته باشند و علاوه بر اینکه خود عامل به قرآن هستند، زمینه انس با آیات نورانی را برای فرزندان در خانواده فراهم کنند.

نخستین بستر تقویت روحیه عبادت به ویژه نماز در انسان، خانواده است. نخستین مرکز و کانون تعلیم و تربیت فرزندان، خانواده (خصوصاً والدین) است. اگر فرزند، در خانواده‌ای رشد یابد که به دین و احکام عملی آن مؤمنانه و عاشقانه اهتمام می‌ورزند و به آموزه‌های آن از روی اخلاص و صداقت، گردن می‌نهند، امید بیشتری می‌رود تا فرزندشان نیز به آموزه‌های دینی احترام گذارد. در حقیقت، چگونگی ایفای نقش والدین و اهرم‌های تربیتی آن هاست که از همان ابتدا باور فرزند را شکل می‌دهد. باور قلبی والدین به عبادات و در رأس آن‌ها نماز و چگونگی برپایی آن، همراه با ایجاد انگیزه و آموزش صحیح و یکپارچگی رفتاری آنان، می‌تواند به همان میزان، نگرش فرزند را به نماز پایدار کند. در حقیقت، والدین بخصوص پدر، با شناخت کافی نسبت به عارف و اسرار نماز و به کارگیری، اصول و روش‌های تربیتی در ارتباط با آموزش نماز به فرزندان خود، اعتقادات فرزند را شکل می‌دهد.

ب) آموزش امور مادی (مهارت‌های زندگی)

یکی از مهم‌ترین وظایف پدر، تربیت فرزندان است؛ فرزندی که امروز در کانون خانواده در حال تربیت هستند، به‌زودی باید خودشان سرپرستی تشکیل یک خانواده را به عهده بگیرند. والدین، آینه تمام‌نمای فرزندان خود هستند، تمامی رفتارها، گفتارها و برخوردهای آنها، نه‌تنها در روحیه و ذهنیت فعلی فرزندان ما تأثیرگذار است، بلکه شکل‌دهنده شخصیت اجتماعی آینده فرزندان ما نیز است. والدین مخصوصاً پدر، باید راهبردهای مواجهه با مشکلات زندگی (مالی، زناشویی و غیره) را به فرزندان خود بیاموزند. مهارت‌های زندگی به دو قسم: عام که شامل خودآگاهی، همدلی، ارتباط موثر، روابط بین فردی موثر، کنترل خشم، مقابله با هیجان‌های منفی، آموزش حل مساله، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق، تفکر انتقادی و مدیریت زمان؛ و قسم دوم مهارت‌های خاص مانند آموزش مذاکره، آموزش کار گروهی، آموزش پیش و پس از ازدواج، مدیریت بحران، پیشگیری از آسیب‌های روانی، کاهش سوء مصرف مواد و... است، و مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مساله، تفکر خلاق، تفکر نقاد، توانایی برقرار کردن ارتباط موثر، مهارت ایجاد و حفظ روابط بین فردی، خودآگاهی، مهارت همدلی، مهارت‌های مقابله با هیجان‌ها، مهارت مقابله با استرس نیز بایستی آموزش آنها از دوران کودکی به افراد داده شود.

۱-۳- تامین نیازهای ضروری زندگی

یکی دیگر از بایدهای پدری، تامین نیازهای ضروری خانواده می‌باشد که بر عهده پدر است. اما نیازهای ضروری، شامل چه مواردی هستند؟ همانطور که می‌دانید، اولیه‌ترین نیازهای اساسی انسان، خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است که پدر وظیفه دارد که با تلاش و کوشش خود، هر یک از این موارد را برای اعضای خانواده فراهم نماید. در این میان احادیث و روایات مختلفی در باب نیازهای اساسی انسان وجود دارد که ما به سخنی از امام صادق(ع) بسنده می‌کنیم. امام صادق(ع)، نیاز فردی هر انسان را تامین سه‌گانه‌ای می‌داند که با تحقق آن نوعی سعادت دنیوی را تجربه خواهد کرد و همین امر، بستری برای بهره‌مندی از مواهب الهی در چارچوب عدالت می‌شود تا بتواند به ابعاد دیگر وجودی خویش توجه و اهتمام پیدا کرده و برای کسب مظهریت در خلافت الهی و ربوبیت اقدام کند. از نظر آن حضرت، مهمترین نیازهای فردی (که تامین آن در هر خانواده بر عهده پدر می‌باشد)، عبارت از این امور سه‌گانه مهم است که می‌توان آن را از مهمترین حقوق انسانی هر فرد بشری به دور از جنس، مذهب، فرهنگ، سرزمین و مانند آنها دانست (امینی، ۱۳۹۹: ۷). امام صادق می‌فرماید: «زندگی گوارا نیست مگر به این سه اصل: هوای پاک، آب فراوان، زمین حاصلخیز. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه حسن‌زاده، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۲۰) بنابراین، از نظر امام صادق(ع) از حقوق ابتدایی هر انسانی دستیابی به محیط و مسکنی است که بتواند در آن به نیازهای اساسی بدن دست یابد و آسایش را تجربه کند؛ زیرا چنین آسایشی به طور طبیعی می‌تواند بستری برای آرامش باشد که البته در کنار امور دیگری تامین می‌شود. به هر حال، آسایش تن و بدن، از لوازم آرامش روان است و برای اینکه افراد در آرامش روانی قرار گیرند، می‌بایست آسایش بدنی آنها نیز تامین شود. پس، فراهم نمودن نیازهای ضروری و اساسی در خانواده اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت جسمی و روحی اعضای خانواده، برعهده سرپرست خانواده یا همان پدر می‌باشد.

۱-۴- تشویق فرزند و محبت به وی

یکی از عوامل بسیار مهم در تربیت فرزندان، محبت والدین نسبت به آنها و تشویق فرزندان در انجام فعالیت‌های مختلف می‌باشد. والدین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در رشد همه‌جانبه فرزندان، لازم است تا جان فرزند را لبریز از مهر و محبت کنند. والدین، با ابراز محبت نسبت به فرزندان، به دل‌بستگی‌های آنها جهت می‌دهند و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در



آنها نسبت به والدین خویش است. زمانی که این شیفتگی حاصل شود، می‌توان با ابراز محبت، فرزندان را به انجام برخی رفتارها و با منع محبت، کودک را به ترک اعمالی برانگیخت، بنابراین می‌توان گفت که محبت، یکی از عوامل ایجاد و تکوین شخصیت و هویت فرزندان می‌باشد. در این میان، پدر خانواده می‌تواند با برقراری ارتباط با فرزندان خویش، آنها را در بازی کردن، صرف وقت و انرژی، انجام امور مختلف دینی و امور دیگر، فرزندان را همراهی کند و در امور مختلف آنها را تشویق نماید و با تقویت اعتماد به نفس فرزندان، روحیه حق طلبی و شجاعت را در آنها ایجاد و تقویت کند. در مورد تشویق فرزندان و محبت نسبت به آنها، احادیث و روایاتی وجود دارد. اظهار محبت در رفتار، بازی، تفریح و شوخی در حد شان فرزند، به شرطی که حریم‌ها شکسته نشود، یکی از ابزارهای محبت به فرزندان است؛ پیامبر می‌فرماید: «کسی که دخترش را خوشحال کند، مثل آن است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را ازاد کرده باشد و کسی که پسری را خوشحال کند، مثل آن است که از ترس خدا گریسته باشد» (وسایل الشیعه، ج ۲۱: ۵۱۴). همچنین می‌فرماید: «کسی که فرزندش را ببوسد، خداوند حسنه‌ای برای او می‌نویسد و کسی که او را خوشحال کند، خداوند او را در روز قیامت خوشحال می‌کند» (کافی، ج ۶: ۴۹). در تشویق فرزندان، به این نکته توجه کنید که بلافاصله بعد از عمل و به صورت ناگهانی و بدون پیش‌بینی قبلی، تشویق کنید تا اثر آن در ذهن فرزندان باقی بماند. همچنین، تحسین فرزند، در حد عمل او باشد و در تحسین و جایزه، زیاده روی نشود تا به عادت تبدیل نگردد. امام علی نیز در این مورد فرموده است: «ستایش بیش از استحقاق، چابلوسی است» (نهج البلاغه: ۵۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۰: ۲۹۵). اگر تشویق همراه با پاداش و جایزه‌ای باشد، دلیل آن را نیز برای فرزند خود شرح دهید تا اثر بیشتری داشته باشد.

۲- نبایدهای اخلاق پدری

۲-۱- تبعیض

تبعیض میان فرزندان، مختل‌کننده تربیت آنها می‌باشد. در روایات آمده است، اگر فرزندان، حقوق والدین را رعایت نکنند، آنگاه مورد عاق آنها قرار می‌گیرند؛ همین‌طور، اگر والدین نیز حقوق فرزندان را رعایت نکنند، آنگاه آنها نیز مورد عاق فرزندان واقع می‌شوند (خبرگذاری تسنیم، ۱۳۹۹: خبر ۲۲۷۵۰۶۳). برخی از والدین، با اصول تربیتی آشنایی کافی ندارند؛ لذا، در تربیت فرزندان، دچار تبعیض و بی‌عدالتی می‌گردند. تبعیض و بی‌عدالتی در برخورد با فرزندان، از هر جهتی (عاطفی، روحی و روانی و غیره) روی فرزندان تأثیر می‌گذارد و موجب حسادت، کینه،



مقایسه‌های ناروا و بروز برخی مشکلات بین فرزندان می‌شود. تازمانی که بین فرزندان تبعیض وجود داشته باشد، پیدایش خصومت، حسادت، مقایسه کردن‌ها، عقده و سایر مشکلات عاطفی، روحی و روانی بین آنها نیز دور از انتظار نخواهد بود. والدین باید بدانند که، تمامی فرزندان در یک سطح نیستند و هر کدام، در زمینه‌ای استعداد دارند و این مسئله نباید سبب تبعیض بین فرزندان شود.

توجه کنید که اگر فرزندان حق والدین را رعایت نکنند، آنگاه عاق می‌شوند؛ درباره والدین نیز این امر آمده که اگر حقوق فرزندان را رعایت نکنند، مورد عاق فرزندان واقع می‌گردند. «خدا لعنت کند والدینی را که فرزندان خویش را بد تربیت می‌کنند و موجبات عاق خود را فراهم می‌نمایند. ای علی! همانگونه که فرزند عاق والدین می‌شود، والدین نیز عاق فرزند خواهند شد» (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۴: ۳۷۲).

اما درباره تبعیض میان اعضای خانواده توسط والدین، ذکر چند نکته لازم است: (۱) پدران باید عدالت را میان فرزندان، رعایت کنند؛ این امر، در روایات موجود، بسیار سفارش شده است. تا جایی که اعتراض پیامبر(ص) به پدری که فقط یکی از دو فرزندش را در حضور هر دوی آنها بوسید (مجلسی، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۷۴: ۶۰).

با این حال به نظر می‌رسد در روایات تأیید شده است که والدین، برخی از فرزندان خود را، احتمالاً به سبب وجود بعضی فضائل در ایشان، بیش از دیگر فرزندان خود دوست داشته باشند، ضمن آنکه این تمایز، نباید ناشی از تفاوت جنسیت باشد.

(۲) با توجه به نکته‌ای که در بالا توضیح داده شد، میان اعتراض نسبت به حقوق برآورده نشده از سوی والدین، با این که فرزند چه انتظاری از آنها داشته که برآورده نشده، فاصله زیادی وجود دارد؛ زیرا چه بسا ممکن است:

اولاً: چیزی که فرزند خواستار آن است، حَقّش نباشد.

ثانیاً: ممکن است درک طرفین از نحوه عملکرد والدین، به گونه‌ای متفاوت باشد که موجب سوء تفاهم گردد. به عنوان مثال، این حق برای پدر وجود دارد که در زمان حیات خود، اموالش را به هر کس که می‌خواهد، تملیک نماید؛ اما، همین مسأله در زمانی که بخواهد، نسبت به آن وصیت کند، شکل دیگری به خود گرفته و موجب می‌گردد که نتواند نسبت به بیش از ثلث اموال خود وصیت نماید.

اما، سوالی که اینجا مطرح است، این است که آیا تبعیضی بین فرزندان وجود دارد؟ آن تبعیض در چه مورد و چگونه است و چه راهکاری در مقابل آن وجود دارد؟



اگر این تشخیص شما صحیح بوده و سوء تفاهم نیست؛ آنگاه در آن اموری که قائل به تبعیض هستید، خود را قدرتمندتر و با لیاقت‌تر نشان دهید؛ به‌عنوان مثال، اگر تبعیض صورت گرفته، در امور اخلاقی است؛ آنگاه، شما برای از بین بردن آن رذیله‌ی اخلاقی و تقویت در فضائل اخلاقی خود، تلاش و کوشش کنید؛ اما اگر تبعیض درباره امور مالی است، آنگاه قناعت پیشه کنید و سعی در بهترین استفاده را از کمترین امکانات در خود ایجاد کنید و در این اثناء، تا حد نیاز با توکل به خدا و توسل به اهل‌بیت، این امر منفی را از بین ببرید.

اما باید به والدینانی که بین فرزندان تبعیض قائل می‌شوند، نکته‌ای را بگوییم؛ اینکه آن فرزندی را که به او بیشتر بها می‌دهید (چه از نظر اخلاقی و چه از نظر مادی)، ممکن است که همان فرزند روزی به جایی برسد که کمتر به شما توجه کند و بیشتر بگوید وقت ندارم و سرم شلوغ است؛ شاید همان فرزند روزی، طلبکارترین و ناسپاس‌ترین فرزند نسبت به شما باشد؛ پس تا می‌توانید از تبعیض بین فرزندان بپرهیزید (در واقع، هرچه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی)؛ در مقابل، ممکن است روزی فرا برسد که فرزندی که کمتر به او توجه کردید، به شما کمک کند و در آن صورت، شما با هزار شرمندگی به او توجه کنید؛ البته، کمک او به شما، وظیفه‌ی اوست؛ اما، در عین حال این کم کاری و تبعیض شما، ممکن است موجبات طلبکار شدن فرزندی و شرمندگی از فرزند دیگر را ایجاد نکند؛ توجه داشته باشید که، بهترین کار، رعایت عدالت و مساوات میان فرزندان است تا هیچ‌گونه کدورتی در این مورد پیش نیاید.

۲-۲-۲- ظلم^۱

پدر بی‌مسئولیت، به فرزندان خود ستم می‌کند. گاهی والدین بخصوص پدر، مرتکب اشتباهاتی می‌شوند و خواسته یا ناخواسته به فرزند خود ظلم می‌کنند و گاهی به‌صورت فیزیکی و یا زبانی به فرزندش آسیب می‌رسانند و آرامش جسمانی و روانی او را سلب می‌کنند؛ اگر والدین فحاش و بدزبان باشند، آنگاه به کیفر عمل خود می‌رسند و باید جوابگوی رفتار نامناسب خود باشند؛ از طرفی، فرزندان نیز با رعایت احترام و ادب نسبت به چنین والدینی، به ثواب و پاداش این عمل خود خواهند رسید.

۱. هر چند همه رذایل در نهایت به ظلم به معنای عام کلمه بر می‌گردند (وضع الشی فی غیر موضعه یا عدم اعطای کل ذی حق حقه)، با این وجود، در اینجا مراد از ظلم، به معنای خاص است. از این رو، در عرض تبعیض و ... آمده است.

اسلام، حساب ویژه‌ای برای والدین باز کرده و جایگاه ویژه‌ای برای آنان در نظر گرفته است؛ لذا، براساس روایات، اگر والدینی از فرزندانشان راضی باشند، آنگاه موجب خیر و برکت و سعادت فرزند می‌شود و در صورتی که در حق فرزندان خود دعا کنند، خدا نیز به این دعا توجه خاصی می‌نماید؛ کمالین که اگر والدین از فرزندان ناراضی باشند و خدای ناکرده آنها را نفرین کنند، ممکن است خدا بر چنین فرزندان، قهر و غضب نماید.

امام باقر(ع) فرمود: «خدا در چند چیز رخصت و ترک را روا ندانسته است؛ از جمله: نیکی به والدین، چه آنها خوب باشند و چه بد» (کلینی، ۵۱۴۰۷، ج ۲، ق. ۱۲۹).

به هر حال، نیکی و احسان به والدین و خشنود ساختن آنان، حتی اگر کافر باشند، لازم است و سعادت دنیا و آخرت را به همراه می‌آورد؛ چنان که امام صادق(ع) به جوان نومسلمان، در حق مادر مسیحی‌اش توصیه فرمود (کلینی، ۵۱۴۰۷، ج ۲، ق. ۱۲۸). نیکی و احسان به آنان حتی پس از مرگشان نیز راه‌گشای سعادت فرزند می‌گردد؛ رسول خدا(ص) فرمود: «آقای خوبان در روز قیامت، کسی است که به والدینش پس از مرگشان نیز نیکی کند.» (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۴۶) لازم به ذکر است که خدا حکیم و مهربان، در خصوص رعایت حق والدین، همین دستورات را به فرزندان شما نیز می‌دهد.

گاهی ظلم والدین در حق فرزندان، به صورت خشن و آشکار نیست (مثل کوتاهی در آموزش واجبات دینی و معنویات)؛ در حقیقت، ممکن است والدین مسلمانی، حتی در حق فرزندان خود خوبی‌های فراوانی داشته باشند، ولی باز به آنها ظلم ورزند؛ در روایتی داریم که: «پیامبر(ص)، به برخی از کودکان نگاه کردند و فرمودند: وای بر اولاد آخرالزمان از دست پدرانشان! سؤال شد یا رسول‌الله: آیا از پدران مشرک آنان؟ فرمودند: خیر؛ از دست پدران مؤمن آنها؛ چون واجبات دین را به فرزندانشان نمی‌آموزند و اگر اولاد آنها بخواهند بیاموزند، آنان را منع می‌کنند؛ و تنها به این قانع هستند که فرزندانشان از مال دنیا، چیزی را به دست آورند. من از آنها بیزارم و آنها هم از من بیزارند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ق. ۶۲۵).

در حقیقت، والدین، علاوه بر رشد و پرورش جسمانی و روانی فرزند، باید بکوشند تا بعد معنوی او را نیز پرورش دهند.

پیامبر(ص) فرموده‌اند: «از جمله حقوق فرزند بر پدر، سه چیز است: نامش را نیکو نهد و به او نوشتن بیاموزد و چون به حد بلوغ رسید، او را همسر دهد» (فتال نیشابوری، ۱۳۸۱: ۵۸۸).



در روایتی از امام صادق(ع) آمده است و او از پدران نقل می‌کند که، پیامبر خدا(ص) فرمود: «بر والدین در صورتی که فرزندشان صالح باشد، رعایت همان چیزی لازم است که رعایت آن بر فرزند لازم است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹۱).

پیامبر(ص) می‌فرماید: «هرگاه فرزند حقوق والدین را بجای نیاورد، آنگاه عاق والدین می‌شود؛ همچنین، هرگاه فرزند نیکوکار باشد و والدین حقوق فرزند را رعایت نکنند، آنگاه والدین نیز عاق فرزند می‌شوند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۳). و عقوبت والدین و فرزندان، افرادی هستند که در قیامت خدا از آنان عوضی را نمی‌پذیرد؛ چنانچه در روایت داریم: «سه کس هستند که در روز رستاخیز، خدا از آنها عوضی نمی‌پذیرد: عاق و منت‌گذار و کسی که تقدیر را تکذیب کند» (پاینده، ۱۳۸۵: ۴۰۵).

پدران و مادرائی که فرزندان جوان خود را در راه خطا و اشتباه پرورش می‌دهند و با تحقیر، اهانت، فحاشی، هتاک و اعمال زشت و غیرمشمول خود، آنان را به انتقامجویی، گناه و تجاوزکاری وادار می‌سازند، مشمول عذاب الهی خواهند شد.

رسول خدا(ص) فرمود: «يَا عَلِيُّ لَعَنَ اللَّهُ وَالِدِينَ حَمَلًا وَلَدَهُمَا عَلَىٰ عُفُوقِهِمَا؛ یا علی، از رحمت و فیض الهی بی‌نصیب باد آن والدینی که بر اثر سوءرفتار و گفتار خود، موجب انحراف فرزند خویش شوند و او را وادار به گناه کنند که عاق گردد» (بروجردی، ۱۳۸۰، ج ۲۱: ۳۳۲). بنابراین، طبق قاعده، هر موجودی که به گردن موجود دیگر حقی دارد، در مقابل همان موجود هم وظیفه‌ای دارد و فقط خداست که به گردن تمام موجودات حق دارد و هیچ موجودی بر او حقی ندارد. لذا، اگر کسی انتظار دارد که دیگری حق او را نیکو اداء کند، باید خود این شخص وظایفش را در مقابل او نیکو انجام دهد. مطابق این قاعده، پدر اگر بخواهد فرزند عاق آنها نشود، باید وظایف پدری را درست انجام دهد و فرزند صالح تربیت کند؛ لذا، والدین باید در پرورش فرزندان خود کوشا باشند و از بدرفتاری با آنها بپرهیزند و با تبعیض و تفاوت قائل شدن بین فرزندان، به آنها ظلم نکنند و در پرورش آنها کوتاهی نکنند؛ در این صورت، خدا نیز اجر و پاداشی عظیم برای آنها در نظر خواهد گرفت. در این شرایط، فرزندان نیز باید قدر چنین والدینی را بدانند و همواره با آنها مهربانی کنند و در سنین پیری، یاور آنها باشند که خدا نیز برای آنها، در دنیا و آخرت پاداشی بی‌نهایت در نظر خواهد گرفت. همچنین، اگر پدر مادر به فرزند خود ظلم کردند؛ فرزندان باید جز در مواردی که آنها را از یاد خدا دور می‌کند، تحمل کنند؛ در این شرایط، فرزندان علاوه بر اینکه باید با نادیده گرفتن ظلم والدین خود، با آنها مهربانی نمایند؛ همچنین، باید برایشان دعا کنند تا خدا از گناه آنها بگذرد و آنها را به مسیر حق بازگرداند.

۲-۳- افراط و تفریط در محبت به فرزندان

محبت، به معنای دوست داشتن و ابراز علاقه است و محبت فرزندان امری ضروری می‌باشد؛ با این وجود، این محبت باید در زمان مناسب خود، جای درست و به شیوه‌ای صحیح باشد؛ در واقع، محبت والدین نسبت به فرزندان خویش باید به گونه‌ای باشد که در آن افراط و تفریطی دیده نشود تا منجر به حقارت و کمبود فرزند و یا زودرنج شدن و ایجاد بیماری‌های روحی و روانی در وی نگردد و در تربیت فرزند موثر واقع شود. بنابراین، پدر خانواده باید تمایلات اهل خود را تعدیل نموده و اجازه ندهد که از حد اعتدال خارج شوند.

امام باقر(ع) فرمود: «بدترین پدران، کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان، از حد خود تجاوز کنند و به زیاده روی و افراط بگرایند و بدترین فرزندان، کسانی هستند که در اثر تقصیر و کوتاهی در انجام وظایف، پدر را از خود ناراضی نمایند.» بسیاری از والدین، به دلیل عدم شناخت و آگاهی‌های لازم نسبت به این امر، در زمینه محبت به فرزندان دچار افراط و تفریط‌هایی می‌شوند که در تربیت کودک، مخرب است و اثرات سوء به دنبال دارد. عده‌ای از والدین، در رفتار با کودکانشان، از چاشنی محبت استفاده نمی‌کنند و یا به حداقلی از آن اکتفا می‌کنند (مجلسی، ۱۴۱۴ ه.ق.، ج ۱۷: ۳۲) که آثار سوئی را به همراه خواهد داشت.

امام صادق(ع) در روایتی می‌فرماید: «خدا مرد را به‌خاطر شدت محبت و دوستی فرزندش، مورد لطف و رحمت خویش قرار می‌دهد» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱۹).

پیامبر(ص) فرموده‌اند: «آن کس که فرزند خود را ببوسد، حسنه‌ای در نامه او ثبت خواهد شد و آن کس که فرزند خود را شاد کند، خدا او را در قیامت مسرور می‌نماید» (حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق.، ج ۱۵: ۲۰۴). در این زمینه، روایات متعددی وجود دارد که همه آنها به اهمیت محبت و ابراز آن به کودک، اشاره دارد.

حال، باید به این پرسش، پاسخ داد که کمبود و یا عدم محبت به فرزندان، چه عواقبی دارد؟ فقدان محبت برای فرزند، زمینه‌ساز ابتلای او به مشکلاتی از قبیل بی‌اشتهایی، بی‌خوابی، جیغ کشیدن در هنگام خواب، تر کردن رختخواب در شبانه‌روز، تقلیدهای بی‌مورد، جلب محبت و لوس‌بازی وغیره، فراهم می‌کند.

فقدان محبت در سال‌های ابتدایی زندگی و خصوصاً چهارسال اول، موجب ایجاد انواع اضطراب‌ها، تشویش، عصبانیت، نارضایتی، احساس انزوا، تندخویی و بداخلاقی می‌شود. چراکه در این سنین، کودک بیش از هر زمان دیگری، به والدین خود اتکا دارد.

بدین ترتیب، بسیاری از دختران و پسرانی که در سنین نوجوانی دچار انحرافات اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی می‌شوند، افرادی هستند که در کودکی، با کمبود محبت و عاطفه از جانب والدین خویش، مواجه بوده‌اند.

لذا، با توجه به مطالب بیان شده، به این نتیجه می‌رسیم که محبت پدری بایستی به صورت میانه و با قاعده و اصول خاصی صورت گیرد تا نتایج مثبتی به همراه داشته باشد و منجر به تربیت مناسب فرزند گردد.

۲-۴- عدم ارتکاب ردائل اخلاقی

پدر، به‌عنوان مدیر و سرپرست خانواده، وظیفه دارد که بر اخلاق و رفتار خود نسبت به خانواده و فرزندان خویش نگاهی ببیندازد و رفتارهای پسندیده را جایگزین ردائل اخلاقی نماید. چرا که رفتار پسندیده، آرامش روحی و روانی و جسمی خانواده را به همراه خواهد داشت و برعکس آن، ردیلت‌های اخلاقی، منجر به برهم زدن تعادل روانی و روحی اعضای خانواده خواهد شد و در نتیجه آرامش از خانواده سلب خواهد شد. پس، پدر باید برای زندگی خود و خانواده خویش، مسیری را تعیین کند تا همگی در مسیر سعادت و خوشبختی زندگی کنند. در این میان، برخی روایات نیز وجود دارد که بر خوش اخلاقی تاکید می‌کنند و بدخلقی را نهی می‌نمایند. امام رضا(ع) از جدش رسول خدا(ص) این گونه بیان فرموده است: «بر شما باد به کسب خلق زیبا(و برخورد نیک با دیگران) چه این که (نتیجه) خوش اخلاقی شما بهشت خواهد بود و دوری گزینید از بد خلقی و کژ خلقی زیرا که پایان آن حتماً جهنم است» (بحارالانوار، ج ۶۸: ۳۸۶). پیامبر(ص) همچنین، در مورد اثرات بدخلقی می‌فرمایند: «بنده در اثر بدخوئی به پائین ترین طبقات دوزخ می‌رسد» (فیض کاشانی، المحججه البیضاء، ج ۵، ۱۳۸۳: ۹۳).

یکی از نصایح لقمان حکیم، به فرزندش بدین ترتیب است: «از بی‌حوصلگی و بدخلقی و کم‌صبری بپرهیز که با داشتن این صفات بد، دوستی برای تو باقی نخواهند ماند» (بحارالانوار، ج ۱۰: ۴۱۹).

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «بدخوئی، ایمان را تباه می‌کند همان‌گونه که سرکه غسل را فاسد می‌سازد» (کافی، ج ۲: ۳۲۱). بنابراین، می‌توان گفت که یکی از اصلی‌ترین نبایدهای اخلاق پدری، عدم ارتکاب ردائل اخلاقی است و پدر خانواده، باید ردائل اخلاقی و آثار آنها را بشناسد و از آنها دوری گزیند تا بتواند فرزندان خویش را به‌خوبی و در مسیر سعادت و خوشبختی، پرورش دهد.

۲-۵- عدم کم توجهی به واجبات دینی

می‌دانیم که ادای حق الهی از وظایف اصلی بندگان است؛ در واقع، یکی از مهمترین نقاط آغاز، اداء فرایض و اهتمام به واجباتی چون نماز، روزه، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، است. افراد با ادای واجباتی چون نماز و روزه و غیره، زندگی دینی خود را سامان می‌دهند. در این میان، پدر خانواده، الگویی برای فرزندان خویش می‌باشد که اگر نسبت به این واجبات، کم توجهی کند، آنگاه پرورش فرزندان وی نیز دچار انحراف خواهد شد و از مسیر تعالی، به مسیر گمراهی و ضلالت پیش خواهد رفت؛ بنابراین، سرپرست خانواده، به‌عنوان الگوی اصلی اعضای خانواده، باید نسبت به انجام واجبات دینی سستی نکند و به آنها پایبند باشد تا مسیر خوشبختی و سعادت را به اعضای خانواده و فرزندان خویش نشان دهد و در پرورش خانواده دینی موفق باشد. درباره واجبات دینی، روایات متعددی وجود دارد که در اینجا، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «نماز اول وقت سرشار از خشنودی خدا و در پایان وقت مشمول عفو و بخشش خداوند می‌شود. بدیهی است عفو و بخشش جز در مورد گناه صدق نمی‌کند» (کافی، ج ۲: ۱۸).

پیامبر می‌فرماید: «به آنچه خدا واجب کرده، عمل کنید تا باتقواترین مردم باشید» (کافی، ج ۲: ۱۲۵).

در سخنی از امام سجاد (ع)، به نقل از ابو حمزه ثمالی آمده است: «هر کس عمل کند به آنچه خدا بر او واجب کرده از بهترین مردم است» (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۴۰۴ ه. ق.، ۲۶۸). بنابراین، پدر باید ابتدا واجبات دینی را بشناسد و انجام آن را وظیفه شرعی خود بداند و رفتار و کردار خویش را با موازین آن منطبق سازد تا در این صورت بتواند خانواده و فرزندان خویش را نسبت به وظایف دینی آگاه کند و آنها را در مسیر خوشبختی و سعادت سوق دهد.



نتیجه گیری

بحث اخلاق پدر در خانواده، یکی از مسائل بسیار حائز اهمیت می باشد؛ با دقت در روایات و احادیث موجود، اهمیت اخلاق پدری بیش از پیش مشخص می گردد و در صورتی که پدری از اخلاق نیکوی پدری و در راستای ضرورت های اسلامی برخوردار باشد، تحت این شرایط، زندگی دنیوی و اخروی خود و خانواده وی، در مسیر درستی قرار خواهد گرفت و تربیت فرزندان نیز در چنین خانواده ای، در راستای تربیت اسلامی خواهد بود.

باید توجه داشته باشیم که اگر پدران، اخلاق پدری خود را در راستای الگوهای اسلامی سوق دهند و پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) را به عنوان الگوی خود در نظر بگیرند، در آن شرایط است که می توانند سمت و سوی زندگی خود را در مسیر درست و حق تنظیم کنند؛ بنابراین، با آموختن آموزه های معنوی چون خواندن نماز و قرآن، تقویت روحیه حق طلبی، تفکیک حرام و حلال از هم، آموختن مسئله احترام، تقویت باورهای دینی و غیره به فرزندان و آموختن مهارت های مادی زندگی و آموختن راه و رسم زندگی به آنها، تحت این شرایط می توانند روح و جسم کودک را در راستای اهداف متعالی و اسلامی تربیت کنند و هم خود و هم فرزندان را در مسیر سعادت دنیوی و اخروی قرار دهند.

توجه کنیم که پدر مسئول سلامت و رشد جسمی و روحی فرزندان است؛ یکی از لازمه های پرورش و تربیت فرزندان، این است که ضروریات اولیه زندگی فراهم گردد؛ تامین این نیازهای ضروری و اولیه در خانواده، از جمله خوراک، پوشاک و مسکن و تامین امنیت خانواده، بر عهده پدر می باشد. تامین این شرایط، آسایش روحی و روانی اعضای خانواده را به همراه خواهد داشت و در نتیجه آن، بستر برای پرورش ذهنی اعضای خانواده و گام برداشتن در مسیر خوشبختی فراهم خواهد شد؛ بنابراین، اگر پدران به فضایل اخلاقی آراسته باشند و محیط خانه را از رذایل اخلاقی پاک کنند، آنگاه فرزندان نیز به رستگاری نزدیک تر می شوند و آرامش روحی لازم را برای تقرب به سوی خدا را در بر خواهند گرفت.

دانستیم که موارد بسیار دیگری نیز در زمره اخلاق پدری قرار می گیرند؛ که تربیت خوب فرزندان، انتخاب نام زیبا، انتقال عقاید صحیح، رفتار دور از خشونت و فساد در خانواده، تربیت فرزندان به اخلاق متناسب با روزگار و عصر آنها و غیره بخشی از این موارد است.

همچنین، پی بردیم که پدر نباید بین پسر و دختر و فرزندان خود، تفاوت قائل بشود و نباید در حق آنها ظلم کند. پدر باید فرزندان را همچون موهبتی الهی بپذیرد و شکرگزار خداوندی باشد که به آن شرف پدر بودن را عطا فرمود.

یکی از عوامل ایجاد و تکوین شخصیت و هویت فرزندان، محبت و تشویق فرزندان است. والدین، وظیفه دارند که برای تربیت فرزندان خویش وقت صرف کنند و در اموری چون بازی کردن، سرگرمی، پرورش عاطفی فرزندان آنها را همراهی کنند و در زمانی که فرزندان، کار شایسته ای انجام می دهند، بلافاصله به تشویق و تایید او بپردازند؛ با این کار، فرزندان به والدین خود دل خوش می شوند و به آنها اعتماد پیدا می کنند. بدین ترتیب، والدین می توانند امور مختلف دینی و مسیر سعادت و خوشبختی را به فرزندان خود بیاموزند و در نتیجه، جوانانی شایسته، مستعد و شجاع را پرورش دهند.

دانستیم که از مهم ترین ویژگی های پدران نسبت به خانواده، خصلت اخلاق پسندیده، عدم ارتکاب ردائل اخلاقی، عشق و محبت است؛ در این میان، محبت، خوش رفتاری و گشاده دستی مرد، از خصوصیات است که محیط خانه را گرم می کند که نتیجه آن، موفقیت در مسیر تربیت فرزندان می باشد؛ این مسئله، به ثبات اقتدار پدر در خانواده، کمک می کند. با این وجود، پدر در این وظیفه نیز نباید از یک حدی بیشتر گام بردارد؛ چراکه افراط در آن نیز نتایج مثبتی به همراه نخواهد داشت. در حقیقت، پدر با عدم افراط و با عدم تفریط در محبت نسبت به فرزندان و خانواده خویش، می تواند زمینه یک زندگی خوب را فراهم کند؛ چراکه افراط و تفریط در هر کاری، از خوبی های آن می کاهد و به مضرات آن می افزاید. در حقیقت، تعادل در هر عملی، حتی محبت کردن پدر نسبت به فرزندان نیز همواره با نتایج مثبتی همراه بوده و زمینه سعادت دنیوی و اخروی پدر و حتی فرزندان را به همراه خواهد داشت.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه. حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: حسن زاده، صادق، ناشر: آل علی، قم، ۱۳۸۲.
۲. ابن مسکویه. احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق، و تطهیر الاعراق، ناشر: مهدوی، اصفهان، ۱۳۸۱.
۳. ابن منظور. ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۵.
۴. ابن بابویه. محمد بن علی، (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، مترجم محمدجواد غفاری، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷.
۵. ابن بابویه. محمد بن علی، خصال، نشر: اندیشه هادی، تهران، ۱۳۸۵.
۶. ابن شعبه حرانی. حسن بن علی، «تحف العقول عن آل الرسول(ص)»، جلد ۱، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی علیه السلام، قم، ایران، ۱۳۸۲.
۷. آخوندی. مصطفی، اخلاق مدیریت، نشر کوثر غدیر، ۱۳۸۲.
۸. بروجردی. سیدحسین، جامع احادیث الشیعۀ، المهر، تهران، ۱۳۸۰.
۹. پامینی. محمدرضا، «مهمترین نیازهای فردی و اجتماعی انسان از نظر امام صادق علیه السلام»، روزنامه کیهان، ش ۲۲۵۹۹، چاپ ۱۱ آبان، ۱۳۹۹.
۱۰. پاینده. ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ناشر: خاتم الانبیاء، اصفهان، ۱۳۸۵.
۱۱. تمیمی آمدی. عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق: رجائی، سید مهدی، ناشر: دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰.ق.
۱۲. حر عاملی. شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ، نشر مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۴.ق.
۱۳. خبرگزاری تسنیم، مطلب «آثار عاق والدین در دنیا و آخرت/ آیا فرزند هم می تواند والدین خود را عاق کند؟»، خبر شماره ۲۲۷۵۰۶۳، ۱۳۹۹.
۱۴. دهخدا. علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. دهقانزاد. حسین، نقش پدری؛ بایدها و نبایدها، مجله اشارات، ش ۱۵۰، ۱۳۹۲.
۱۶. زبیدی. مرتضی، محمد بن محمد، تاج العروس، ناشر: دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴.ق.
۱۷. شیخ صدوق، «عیون اخبار الرضا»، نشر مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.ق.
۱۸. طبرسی. فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ناشر: شریف رضی، قم، ۱۳۷۰.

۱۹. طوسی، نصیر الدین، اخلاق ناصری، ناشر خوارزمی، ۱۳۷۴.
۲۰. عبدوس. محمدتقی، محمدی اشتهاردی. محمد، «آموزه‌های اخلاقی، رفتاری امامان شیعه»، نشر بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۲.
۲۱. فتال نیشابوری. محمد بن احمد، روضه الواعظین، ناشر: دلیل ما، قم، ۱۳۸۱.
۲۲. فیض کاشانی. محمد بن شاه مرتضی، روضه‌البهیة، حمیدرضا صادقی (مترجم)، حقائق، ناشر: آیت اشراق، ۱۳۹۷.
۲۳. فیض کاشانی، «المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ فِي تَهْدِيَةِ الْأَحْيَاءِ»، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۳.
۲۴. قطبی. هادی، آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان، نشر احمدیه، ۱۳۹۲.
۲۵. کلینی. محمد بن یعقوب، الکافی، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷.ق.
۲۶. مجلسی. محمد باقر، بحارالانوار، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان، ۱۴۱۴.ق.
۲۷. مصباح یزدی. محمد تقی، دروس فلسفه اخلاق اسلامی، انتشارات اطلاعات. تهران، ۱۳۷۳.
۲۸. مصدقی نیک. مجتبی، «رابطه پدر و کودک»، مجله رشد معلم، ش ۸۴، ۱۳۷۱.
۲۹. معین. محمد، فرهنگ فارسی معین، نشر کتاب راه نو، ۱۳۸۱.
۳۰. مکارم شیرازی. ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۲، چ ۱، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، ۱۳۷۷.
۳۱. نوچمنی. نوریه، مسئولیت یک پدر در زندگی، برگرفته از سایت تبیان، مبحث «وظیفه پدر در مقام تربیت»، ش ۲۴۶۵۴۸، ۱۳۹۲.
۳۲. نوری. محمد، قلاج. محمدرضا، اخلاق اسلامی؛ مبانی و غایات، مجله پگاه حوزه، ش ۲۳۹، ۱۳۸۷.
۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ناشر: موسسه ال البيت: لاحیاء التراث، بیروت- لبنان، ۱۴۰۸.ق.
۳۴. وزیری. مجید، ۱۳۸۱، «نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۴.
۳۵. ولی ابرقویی. روح الله، ۱۳۹۳، «کودک‌نامه (فرهنگ الفبایی تربیت فرزند در سیره اهل بیت علیهم السلام)»، نشر مشهور، ۱۳۹۳.